تاریخ مشروطیت ایران

شریف، مهدی

روز بعد دستخط اعلیحضرت را بتوسط اقبال الدوله به حضرت عبد العظیم آورده‏ خدمت حجج اسلام رسیده اظهار مراحم ملوکانه را ابلاغ نموده دستخط شاهانه را خوانده‏ هنگی اظهار دعاگوئی کرده جناب مشیر الدوله هم بتوسط من بنده تقبل اجرای مقاصدرا فرموده ابلاغ نموده به شهر مراجعت شد.

صورت دستخط اعلیحضرت شاهانه:جنابان مستطابان شریعتمداران علمای عظام‏ سلمه الله تعالی جنابان آقا میرزا مصطفی و آقا میرزا ابو القاسم و آقا میرزا محسن و اعتمد الاسلام‏ برای اظهار مطالب خودتان نزد جناب اشرف اتابک اعظ فرستاده بودید از شرح پیغامات‏ شما مطلع شدیم.این مسئله را باید عموم علمای عظام بدانند که راءفت و معدلت مات همیشه‏ بافراد رعیت شامل بوده خاصه نسبت بعلمای اعلام و دعاگوی دولت و خیرخواه محض سلطنت‏ هستید کمال اعتماد و التفات را داشته و در مقاصد حقه آنها همیشه نهایت توجه کرده‏ایم‏ حالا هم که شرح اظهارات شما را جناب اشرف اتابک اعظم عرض کرد درصدر عریضه او دستخطی صادر شده است که برای شما خواهند فرستاد با کمال امیدواری بشهر آمده باتفاق‏ جناب اشرف اتابک اعظم شرفیاب شوند که حسن ظن و کمال راءفت و عقیدت خود ما را مشافها نیز بآن جنابان انهاء و اظهار کنیم و با نهایت آسودگی و امید وصول رجای دولت‏ و مزید تاءییدات و توفیقات اشتغال ورزند.شهر ذی القعده الحرام.ئیلان ثیل 1323 محل صحه مبارک اعلیحضرت ملوکانه.

صورت دستخط که درصدر ورقه نوشته شده:جناب اشرف اتابک اعظم چنانکه مکرر این نیت خودمان را اظهار فرموده‏ایم ترتیب و تاسیس عدالت دولتی را برای اجرای احکام‏ شرع مطاع و آسایش رعیت از هر مقصود مهمی واجب‏تر است و این است بالصراحه مقرر میفرمائیم برای اجرای این نیت مقدس قانون معدلت اسلامیه که عبارت است از تعیین‏ حدود و اجراء این نیت احکام شریعه مطهره است باید در تمام ممالیک محروسه ایران عاجلا دایر شود بروجهی که میان هیچیک از طبقات رعیت فرق گذاشته نشود و در اجرای عدل‏ و سیاست بطوریکه در نظامنامه این قانون اشاره خواهیم فرمود ملاحظه اشخاص و طرف خواهی‏های‏ موجه جدا ممنوع باشد.البته بهمین ترتیب کتابچه نوشته مطابق قوانین شرع مطاع‏ فصول آنرا مرتب و بعرض برسانید تا در تمام ولایت دایره و ترتیبات مجلس آنهم بروجه صحیح آورده شود.این قبیل متدعیات علماء اعلام که باعث مزید دعاگوئی ما است همه‏ وقت مقبول خواهد بود.همین دستخط ما را هم به عموم ولایات ابلاغ کنند.شهر ذی‏قعده- الحرام 1323 محل صحه ملوکانه بعد از مذاکرات عدیده قرار به معاودت به شهر شده روز بعد از مرتب شدن تشریفات استقبال از بستن بازار و چار در زدن در بین راه حضرت‏ عبد العظیم و شهر بهجت چای و قلیان و رفع خستگی و بیرون آمدن اعلی وادنی،پیاده و سواره،وزیر دربار و سپهدار و اقبال الدوله و عضد الدوله و میرخان سردار با کالسکه مخصوص‏ در جمعه شانزدهم ذیقعده به حضرت عبد العظیم رفته آقایان را حرکت داده با سلام و صلوات وارد شهر کرده گاوها کشتند،گوسفندها سربریدند و بحضور مبارک ملوکانه رفته‏ مورد نهایت مرحمت گردیده بعد از مرخصی هریک بمنزل خود رفته مشغول مراوده با مردم گردیده تمام رجال دولت خدمت حجه الاسلام بهبهانی رسیده بعضی اظهار خوشوقتی‏ و تشکر،برخی نگاههای چپ‏چپ و مسخریه داشته هرکس به کار خود مشغول.ذیقعده‏ تمام شد خورده‏خورده بعضی از آقازاده‏ها و بستگان آقایان بخیالات فاسد و احتمال دخل‏ خدمت اتابک میرسیده در اجرای مطالب مقصوده مذاکراتی میکرده حضرت اتابک هم باغ‏ تفرج است و بس-میوه نمیدهد به کس.نتیجه‏ای بجهت آن اشخاص حاصل نشد ولی در باطن این خیال بجهت اتابک پیش آمد امر به ساختن اطاقهای کوچک بجهت سرباز فرموده‏ هرچند روز با یکی از آقازاده‏ها خصومت و خلوت میکنند.بعد با یکی دیگر.از یک طرف هم‏ آقا شیخ سیف الدین که یکی از شاهزادگان و اهل علم و منبر و معمم است و از منسوبان اتابک‏ است باهم علنا ماءنوس و معاشر و محل وثوق هم بود مدیران امور بعد از تشکیل اردو اعلانی بجهت تذکر نوشته انتشار دادند.

صورت اعلان:ان الله یاءمرکم بالعدل و الاحسان.خدای عدل و حکیم،اساس و بقای هر ملتی از ملل مقدسه عالم را بشالوده عدل و مساوات قرار داده هیچ هیئت مجموعه‏ و مملکتی از ممالک روی زمین صورت بقاء و حیات و دوام را پیدا ننموده است مگر بواسطه روح‏ و معنی عدل که بمنزله حرارت در خون بدن کسانی که نشانهء حس و حرکت و بروز آثار حیات‏ است و هرگاه در بدن مملکت مرض ظلم و بی‏اعتدالی ظاهر شود حرارت بدن مملکت بکلی‏ رو به نقصان میگذارد اگر معالجه برء الساعه نشود کم‏کم مرض شدید و حرارت در خون کم و بدرجه‏ای میرسد که بدن مملکت بکلی سرد و اعضا از حرکت باز مانده جزء مردگان خواهد شد. امروز این مملکت اسلامیه و مملکت ایران را آتش ظلم و بیدادگری طوری فراگرفته که چشم‏ عقلای روی زمین را تیره نموده وجود بی‏انصافی بر اطراف بقسمی احاطه کرده که دیده‏ هیچ بینائی راه نجات خود را نمی‏بیند.اینست که فدائیان این ملت و حامیان این‏ شریعت و جان نثاران این مملکت که دست از اهل و عیال خود کشیده و دل از دارو دیار خویش برداشته و جان شیرین خود را برای محافظت مملکت و حارست یک مشت مسلمان بیچاره‏ بر کف نهاده جانباری می‏کنند یعنی طبقه سرباز که مظلومترین همه مخلوقند علاوه بر احجافات حکومت محلی و تعدیات صاحب منصبان جزء و زود نرسیدن حقوق آنها این روزها به مقتضای یکی از خیالات معموله امنای خائن تشکیل مختصر اردوئی در بیرون دروازه‏ تهران نموده‏اند.مطابق قواعد جاریه مملکتی ما جیره و مواجب که ندارند بیشتر از هیزم‏ شکنی و حمالی و عملگی تحصیل قوت لایموت میکردند اکنون که طبیعت روزگار چشم کار گذاران این دولت را خواست از خواب غفلت باز کند و نگاه به سربازان همسایگان نماید ببینید که عار و ننگ است سرباز دولت بر رذالت و کارهای پست مشغول شوند.بدبختانه‏ آن سربازها را منع نموده‏اند کارهای سابق و آن بیچاره‏ها از شدت گرسنگی با علف صحرا تغذیه مینمایند معهذا روزی چند نفر از آنها از گرسنگی میمیرند حال ملاحظه کنید که این‏ مسلمانان بی‏گناه را بگیرند سزاوار است اسیر و دستگیر کرده‏اند که بدون زنجیر و کند در همسایگی دویست و پنجاه هزار نفر مسلمانان تهران از زور گرسنگی بمیرند و پای درآمدن‏ صد قدم را نداشته باشند که جان از دم مرگ نجات دهند آخر شما مسلمانان،مگر خداوند برای این ظلم‏ها خلق نموده یا پیغمبران شما نفرموده در کتاب خود که«ان الله یاءمرکم‏ بالعدل و الاحسان»مسئله دخرت فروشی قوچان و سیستان را عدل میدانید؟عرض و ناموس‏ بباد دادن حکام از انصاف است؟نان و گوشت فقرا را قطع نمودن معدلت میخوانید؟خون‏ رعایا ریختن و مال مسلمانان بردن عدالت است؟از امروز به مقتضای حکم الهی و فرمان‏ محکم یزدانی که بر همه ماها واجب و حتم فرموده واحدی از تحت شمول و عموم این ناموس‏ مقدس و قانون اقدس بیرون نخواهید بود.بر هر یکی از آحاد مسلمین واجب و لازم فوری‏ است که با تمام قوا در مقام رفع ظلم و اعدام جوانان آن‏جانا و مالا بکوشید و مطالبه‏ عدالت بر همه امور لازمه و مهمه مقدم دارند و صلای عامه که میدهم که هرکدام از مسلمانان‏ که دارای راءی صحیح و نصیر راه نجات این ملت نجیبه هست رای و فکر خود را بهر وسیله‏ از وسائل کتبا یا لفظا ارائه و اظهار فرمایند و مجالس ملتی را با افکار صحیحه و ارا ده‏ صائبه مقاربت نمایند.مسلمانان دیگر جای تقاعد نمانده مجال تاءمل نداریم زیرا که‏ سلطان مملکت بر آن دستخطهای اکیده و احکام موءکده،بآن نطقهای متواتره بر همه شماها مثل آفتاب روشن نمود که راءی ملوکانه عین معدلت و صلاح عامه است جز دادخواهی و عدل گستری در خاطر همایونی مقصود نیست دیگر چرا از یک دو نفر دزد راهزن آدمخوار که یک کلمه باش و بناش هست و نیست شوند اینقدر ملاحظه شود و مال و جان و عرض ناموس‏ خود را از چنگال تعدیات این شقاوت بینندگان بیرون نیاوریم.تا کی بگوئیم به فلان‏ برمیخورد.از بس گفتیم نیست و نابود شدیم.نفس آخرین است.حالا که باید مواد بقیه در صفحه 65

بخط نستعلیق خوش؟شده مطلع قصیده را نیافتم و اولین شعر روی سنگ چنین است:

حبذا دارای جم گاه سلیمان جایگاه‏ آنکه شد ز الطاف اوهر عالمی دارای علم‏ صاحب اکلیل جم فتحعلی شد آنکه زو دید اوج و رونق و قرب افسر والای علم

1227 1227 و در آخر گوید:

با تکلف از پی سال بنا این چند بیت‏ جلوه‏گر آمد بجوش از بحر گوهر زای علم

1227 1227

بهر سال این بنا هستند یک در یک گواه‏ این مصارع کامده از عین عقل و رای علم

1227 1227

ز در قم ناطق بسال...با فکر و عقل‏ دار الاحسان شد بنا و شد بجا ماوای علم

ولی متاءسفانه قسمتی از سنگها خراب و جابجا شده و بعضی از مصارع یا ناقص یا غیر خوانا شده است و لا بد اگر جناب ایشان یعنی میرزا محمد صادق دیوانی داشت یا دارد این قصیده هم در آن مندرج و محفوظ است.

و اما شاعر دیگری هم کردستانی بتخلص به خرم قصیده‏ئی در آغاز ساختمان و اتمام بنای‏ مسجد سروده است که بر بالای سر در ایوان شرقی مسجد روی کاشی نوشته و نصب گردیده‏ است بطوریکه قصیدهء خرم حاکی است بنا در سال 1226 شروع و در سال 1230 اتمام یافته‏ است جناب ایشان این تاریخ را در پنج بیت در قصیده خود آورده است.

سال شروع این مصرع است‏ فریزدان باشد از این مسجد و مدرس عیان

1226

سال دوم ساختمان‏ باد دائم دار الاحسان امان اله خان

(1227)

سال سوم ساختمان‏ گشت این مسجد بنا از لطف حی لامکان

(1228)

سال چهارم ساختمان‏ شد بنای این رواق از والی و الانشان

(1229)

سال پنجم اتمام بنا با داین ماء وی محل فیض یزدان جاودان

(1230)

باختصار معروض گشت‏ ذکائی بیضائی 25 اردیبهشت‏ماه 2537

بقیه از صفحه 54 چرا به مذلت بمیریم:

تن کشته و گریه دوستان‏ به از زنده و خنده دشمنان

اینک آقایان محض خدمت به ملت از روی عزم صحیح و نیت ثابت راسخ با تمام قوای‏ خود را حاضر نموده‏اند که نیت مقدس ملوکانه را که مقتضای دستخط مبارک است مجری‏ و معمول دارند و بر هرکس فرض است که این چراغ آسمانی را خاموش نساند.فااعصموا بحبل الله و لا تفرقوا ربنا افرغ علینا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین.